

Revisiting the concept of «قَانِتَات» in the verse "... فَالصَّالِحَاتُ، قَانِتَاتٌ ..."
(Al-Nisa,34) (from the perspective of interpreters and scholarly women)

Karam Siyavoshi*

Alireza Alikhanian**

Abstract

Verse 34 of Surah An-Nisa is one of the challenging verses in the field of women and family issues. The middle part of the verse, related to the concept of "qanitat," is difficult to interpret due to the various interpretations presented by most commentators of the two groups (Shia and Sunni), considering the original linguistic meaning and Quranic usage of qunut. On the other hand, contemporary Muslim women intellectuals have not adhered to traditional views and have reconsidered the meaning of "qanitat" and presented a different theory. Based on this, new approaches to women's rights show that this word does not reflect traditional interpretation and old approaches, and it requires a precise and correct interpretation in accordance with the human dignity of women. This research has been conducted using a descriptive-analytical method. The review of the background of the subject does not indicate a comprehensive and independent study in this regard. The conclusion is that the interpretations of commentators who have presented interpretations of "qanitat" such as "obedient, obedient to Allah, obedient to their husbands, obedient to their husbands' rights, obedient to their husbands, obedient to Allah and their husbands, obedient to Allah fulfilling their rights and their husbands' rights" and similar interpretations do not have the necessary accuracy because they have not paid attention to the precise linguistic meaning or Quranic usage of "Qunut" or both. Although a few commentators have expressed the correct and precise intended meaning of "qanitat" with not so complete interpretations. In addition, the author has presented his own view by providing a comprehensive and precise explanation of the word "qanitat".

Keywords: Verse 34 of Surah An-Nisa, Qanitat, Qunut, women, men, will and choice.

* Associate Professor of Theology Department, Bu-Ali Sina University, Hamedan. Iran.
Karam.siyavoshi@basu.ac.ir (Corresponding author)

** Secretary of Education, Graduated from the Master's course of Bu-Ali Sina University. Hamadan, Iran. Alikhanianardeshir1364@gmail.com

Received: 31/08/2023, Accepted: 20/12/2023

بازکاوی مفهوم «قانتات» در آیه «فَالصَّالِحَاتُ، قَانِتَاتٌ...» (نساء، 34) (از دیدگاه
مفسران و زنان اندیشمند)

کرم سیاوشی*

علیرضا علیخانینان**

چکیده

آیه 34 سوره نساء یکی از آیات چالشی در حوزه مباحث زنان و خانواده است. چالش بخش میانی آیه، مرتبط با مفهوم واژه «قانتات» است که با توجه به معنای اصیل لغوی و کاربرد قرآنی قنوت، پذیرش دیدگاه‌های گوناگون مطروحه از سوی بیشتر مفسران فریقین با دشواری روبرو است. از سویی زنان نواندیشان مسلمان در دوره معاصر دیدگاه‌های سنتی را برنرفته، به بازاندیشی معنای «قانتات» پرداخته و نظریه متفاوتی را ارائه نموده‌اند. براین اساس رویکردهای جدید به حقوق زنان نشان می‌دهد که این واژه تفسیر سنتی و رویکرد قدیمی به خود را بر نمی‌تابد و ارائه تفسیری دقیق و صحیح و مطابق با کرامت انسانی زنان را می‌طلبد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته است.

* دانشیار گروه الهیات، دانشگاه بوعلی سینا، همدان. ایران. (نویسنده مسئول) ،

Karam.siyavoshi@basu.ac.ir

** دبیر آموزش و پرورش، دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

@gmail.com1364alikhaniardeshir ایران

تاریخ دریافت: 1402/06/09، تاریخ پذیرش: 1402/09/29

بررسی پیشینه موضوع، ارائه تحقیق جامع و مستقلى را در این رابطه نشان نمی‌دهد. نتیجه، بیانگر آن است که دیدگاه‌های مفسرانی که با تعبیری مانند: «مطیعات، مطیعات لله، مطیعات لله فی أزواجهن، مطیعات لله تعالی قائمات بحق الأزواج، مطیعات لأزواج، مطیعات لله و لأزواجهن، مطیعات لله قائمات بما يجب علیهن من حقوق الله و حقوق أزواجهن» و مشابه آنها مقصود از «قانتات» را ارائه نموده‌اند از دقت لازم برخوردار نیست؛ چرا که معنای دقیق لغوی یا کاربرد قرآنی «قنوت» یا هر دو را با هم مورد توجه قرار نداده‌اند. گرچه مفسران معدودی هرچند با تعبیر نه‌چندان کامل مقصود درست و دقیق از «قانتات» را بیان کرده‌اند. علاوه بر آن نگارنده دیدگاه خود را با تبیینی جامع و دقیق از واژه قانتات ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها: آیه 34 سوره نساء، قانتات، قنوت، زنان، مردان، اراده و اختیار.

1. مقدمه

سوره نساء نود و دومین سوره در ترتیب نزول، و ششمین سوره مدنی است که پس از سوره ممتحنه و پیش از سوره حدید نازل شده است. (معرفت، 1410، ج 1، ص 137) برخی تاریخ نزول این سوره را مابین صلح حدیبیه و جنگ تبوک (یعنی سال 6 تا 9 ق) تخمین زده‌اند. (بلاغی، 1386، مقدمه اول، ص 19) ظاهراً علت نام‌گذاری آن به سوره نساء این است که بخش زیادی از احکام زنان در اوائل آن آمده است، هر چه هست این نام‌گذاری در زمان پیامبر (ص) بوده است. چنان‌که از امام علی (ع) نقل شده که: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ النَّسَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَوْ مِنْ مَنِ ضَغَطَةِ الْقَبْرِ» (عیاشی، 1380، ج 1، ص 215). در تفسیر کشاف نیز از پیامبر (ص) نقل شده که آن را «سورة النساء» نامیده است. (زمخشری، 1407، ج 1، ص 599) در مستدرک حاکم از عمر نقل شده که

گفت: «سوره بقره، سوره نساء، سوره مائده، سوره حج و سوره نور را فرا بگیرید که احکام و فرائض در آنهاست». (حاکم، 1418، ج 3، ص 158) بنابراین می‌توان گفت سوره نساء در صدر اسلام نیز بر همین نام بوده است. البته این سوره گرچه همچون سوره پیش‌گفته مشتمل بر بخشی از احکام زنان و خانواده است؛ لکن در این زمینه شاخص شده است؛ چنانکه آیه 34 آن: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ. فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً»، یکی از پرچالش‌ترین آیات در همین رابطه است. این آیه دارای سه بخش بحث‌برانگیز آغازین؛ (قوامیت مردان بر زنان)، میانی (ظاهراً تمجید از قانت بودن زنان در برابر همسران) و پایانی (ظاهراً کتک زدن زنان ناشزه) است که نوشته پیش رو از آن میان، متولی مفهوم‌شناسی و مقصودشناسی واژه «قانتات» در بخش میانی آن است. بنابراین این نوشتار با گذر از دو موضوع مهم دیگر در آیه، تنها به معنا و مقصود واژه «قانتات» در آیه نظر دارد، آنجا که زنان صالحه را قانته نامیده است: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»؛ چه، مفسران درباره مراد و مقصود از آن دیدگاه‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند و در دوره حاضر از سوی روشنفکران و مدافعان حقوق زنان در ارتباط با تفسیر و برداشت مفسران سنتی پرسش‌ها و شبهاتی مطرح شده است؛ لذا بازکاوی دیدگاه‌های پیشینیان و بررسی نقدهای معاصران بر آن‌ها و تحلیل و تبیین آنها و استنباط نظریاتی جدید از آن میان، ارائه این پژوهش را ضروری می‌نماید. برخی از پرسش‌هایی این پژوهش چنین است: آیا مقصود از قانته بودن زنان، خاضع و خاشع و مطیع بودن آنان در برابر همسران خویش است؟ یا با توجه به کاربرد ریشه «قنت» در قرآن، تنها خاضع و مطیع بودن در برابر پروردگار از آن مورد نظر است؟ یا آنکه همزمان هر دو معنا (خضوع و اطاعت در برابر خداوند و همسران) را دربر می‌گیرد؛ یا آنکه مقصود از آن خضوع و اطاعت در

برابر پروردگار است و از رهگذر آن قنوت و خضوع در برابر همسر بر زنان لازم می-آید؟ یا اصلاً مقصود دیگری از این عبارت مورد نظر است؟

این نوشته بر آن است که با بررسی جامع و دقیق واژه «قانتات»، ابتدا معنای لغوی آن را بر اساس منابع معتبر لغوی بکاود، آنگاه به مفهوم سیاقی واژگان مشتق از «قانت» در کاربردهای قرآنی آنها بپردازد، و در گامی دیگر دیدگاه‌های مفسران فریقین را به صورت منظم و دسته‌بندی شده طرح و احیاناً تحلیل نماید. سپس دیدگاه انتقادی برخی زنان مفسر و اندیشمند معاصر را مطرح کند و سرانجام دیدگاهی را که در باره مقصود از واژه قانتات دقیق‌تر و استوارتر به نظر می‌رسد، معرفی نماید.

طبق بررسی انجام‌گرفته، تاکنون تحقیق جامع و مستقلی درباره موضوع موردبحث سامان نیافته و تنها مفسران در ذیل آیه مربوطه دیدگاه‌های خود را درباره واژه «قانتات» مطرح نموده‌اند.

2. معنای لغوی «قانت»

«قانت» اسم‌فاعل از ریشه «قانت» است که با افزودن علائم جمع مذکر و مؤنث برای هر دو جنس به کار می‌رود. دیدگاه لغویان درباره معنای «قانت» تا حدودی نزدیک به هم است؛ گرچه گاه تفاوت ظریفی نیز بین آنها وجود دارد. فراهیدی آن را به معنای اطاعت دانسته: «قنت و قنتوا لله: یعنی خدا را اطاعت کردند، و قنوت نیز به معنی طاعت است، و قانتون؛ یعنی: مطیعون». وی آیه: «وَقَوْمًا لِلَّهِ قَانِتِينَ» و عبارت: «قننت المرأة لزوجها» را در همین معنا می‌داند. (1409: ج 5، ص 129) جوهری نیز معنای اصیل «قنت» را «طاعت» می‌داند: القنوت: الطاعة. هذا هو الأصل. (1376، ج 1، ص 261) ابن سیده نیز پس از ذکر سخن جوهری، مقصود از «قنت» را در آیات: «وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ»¹ و «كُلُّ لَه قَانِتُونَ»²، اطاعت می‌داند. (1421، ج 6، ص 338) البته وی مقصود خود را از اطاعت در این آیات، طاعت اراده و مشیت الهی می‌داند؛ بدین معنا که خدا مخلوقات را آفریده و هیچ یک نمی‌توانند آفرینش خود را تغییر دهند، پس مقصود از آن عبادت نیست؛ زیرا برخی از مخلوقات عبادت نمی‌کنند. (همان) وی سپس در

معنای واژه توسعه داده، علاوه بر انجام اوامر الهی، ذلت و انقیاد زن در برابر شوهر را هم از مصادیق آن شمرده است. (همان)

راغب (1412، ص 684) «قنوت» را به معنای اطاعت خاضعانه دانسته و در ادامه گوید: در برخی از آیات طاعت و خضوع به صورت جداگانه مطرح شده است؛ چنانکه گفته‌اند در آیات: «وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» و «كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ» مقصود از قانت یا خاضع است و یا طائع. (همان، ص 685) کلام ابن فارس «قنت» را یک اصل صحیح می‌داند که بر طاعت و خیرخواهی در دین، دلالت دارد گرچه اصل را در آن، همان طاعت می‌داند. (1404، ج 5، ص 31) وی سپس گوید: هرگونه استقامت در راه دین و طول قیام در نماز، و سکوت در نماز و اقبال به آن قنوت نامیده شده است. (همان. و بنگرید به: فیروزآبادی، 1415، ج 1، ص 209) ابن منظور (1414، ج 2، ص 73) علاوه بر معانی و مصادیق مطروحه پیشین، قنوت را به معنای خشوع و اقرار به عبودیت و قیام به طاعت بدون معصیت، معنا کرده است. نیز بر اساس روایاتی که ابن منظور گزارش نموده، قنوت به معنای عبادت و نماز است؛ چنانکه «قانت» را «مُصَلِّي» معنا کرده‌اند. (همان) نتیجه‌گیری نهایی ابن منظور این است که حقیقت قنوت، عبادت و دعا برای خداوند در حالت قیام است، هرچند وی روا می‌داند که علاوه بر آن، قنوت دیگر طاعاتی را که با نیت عبادت انجام می‌شود، در برگیرد. (همان، ج 2، ص 74)

باتوجه به آنچه از لغویان گزارش شد به دست می‌آید که واژه «قانت» برگرفته از «قنت» در اصل به معنای اطاعت کردن است، لیکن باتوجه به کاربردهای آن در آیات قرآن و نصوص دینی دقیق آن «اطاعت خاضعانه و خاشعانه» خواهد بود؛ گواينکه راغب اصفهانی (1412، ص 684) قنوت را استمرار اطاعت خاضعانه می‌داند مؤلف المیزان نیز آن را به همین‌گونه تفسیر نموده، در باره آیه «وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» گوید: به انجام اطاعت خاضعانه، درحالی‌که فقط برای خداست، پردازید. (طباطبایی، 1390، ج 2، ص 246)

بدین سان می توان گفت معنای قنوت، دوام طاعت و عبادت خاضعانه در برابر خالق یکتاست (کوثری، 1394) و دیگر موارد مطروحه مانند: قیام طولانی در نماز، سکوت در نماز جز به ذکر گفتن، توجه خاص و دعاکردن در حالت ایستاده به ویژه دعای پس از نماز، به عنوان مصادیق قنوت به شمار می آیند.

3. کاربردهای «قنت» در قرآن

باتوجه به کاربرد اشکال گوناگون ماده «قنت» در قرآن، می توان دو گونه مفهوم و مصداق را از آیات قرآن برای آن استنباط نمود؛ یکی اطاعت و خضوع تکوینی یا غیراختیاری و دیگری اطاعت و خضوع تشریحی یا اختیاری. در ادامه به تبیین این دو می پردازیم.

الف) اطاعت کننده تکوینی یا غیراختیاری

تعبیر «كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ» دو بار در قرآن به کار رفته که بیانگر اطاعت تکوینی برای متعلق آن یعنی موصول «من» و «ما» است. آنجا که می فرماید: «... لَهُ مَا (مَنْ) فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ»³ (بقره، 116؛ روم، 26) روشن است که برای جمادات (کهکشانها، خورشید، ماه، ستارهها، سیارهها، کوهها، آبها، و...) اطاعت اختیاری معنا ندارد، بلکه آنها بر اساس نظامی که در آفرینش برایشان مقرر شده، مطیع محض اند. مفسران تعبیر «كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ» را شامل ما سوی الله دانسته و این قنوت و خضوع تکوینی را به همه آنها از جمله به انس و جن - که موجوداتی مختارند - نسبت داده اند. مؤلف المیزان می نویسد: منظور از «كُلُّ» جن و انس و ملائکه [نیز] هست و همه مطیع اسباب تکوینی اند؛ زیرا ملائکه جز خضوع و اطاعت حالت دیگری ندارند و جن و انس هم مطیع علل تکوینی اند؛ هر چند پیوسته نقشه می کشند تا علل و اسباب تکوینی را لغو کنند، باز برای رسیدن به این منظور متوسل به علت و سبب تکوینی دیگری می شوند؛ علاوه بر آن، خود اراده و اختیار آنان از اسباب تکوینی است؛ پس باز مطیع تکوین اند. (1390، ج 16، ص 70؛ و بنگرید به: سید قطب، 1425، ج 5 ص 2766؛ صادقی، 1365، ج 23، ص 142) لذا «كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ» در حقیقت تعبیر

دیگری از آیه: «إِنَّ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا» (مریم، 93) است.

ب) اطاعت‌کننده اختیاری

قرآن کریم در آیات متعددی به این نوع از قنوت اشاره کرده است که تعبیری چون: «الْقَاتِنِينَ وَالْقَاتِنَاتِ...» (احزاب، 35؛ آل عمران، 17)، «قَاتِنًا لِلَّهِ» (نحل، 120)، «أَقْنَتِي لِرَبِّكِ» (آل عمران، 43)، «... وَ كَانَتْ مِنَ الْقَاتِنِينَ» (تحریم، 12) از گویاترین موارد آن است. آیه «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ...» (زمر، 9) قنوت اختیاری در برابر خداوند را به صورتی زیبا و دل‌انگیز به تصویر کشیده است. چنانکه در آیه: «قَوْمُوا لِلَّهِ قَاتِنِينَ» (بقره، 238) مؤمنین را به قنوت در برابر خویش فرا می‌خواند.

البته در طرح قنوت به معنای تشریحی، سه آیه دارای وضعیت متفاوتی هستند، در آیه «وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ...» (احزاب، 31) زنان پیامبر (ص) - به صورت غیرمستقیم - به قنوت در برابر خدا و پیامبرش فراخوانده شده‌اند؛ چنانچه در آیه «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُمْ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَاتِنَاتٍ تَأْتِيَنَّ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ...» (تحریم، 5) زنان شایسته برای همسری پیامبر (ص) قانته نامیده شده‌اند و در آیه «... فَالصَّالِحَاتُ قَاتِنَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» (نساء، 34) زنان صالحه، قانته نامیده شده‌اند. زیرا، هرچند قاننات در آیه 5 تحریم را می‌توان به آیه 31 احزاب ارجاع داد؛ بدین معنا که سزاوار است زنان پیامبر (ص) در برابر خداوند و پیامبرش قانت باشند؛ اما در آیه 34 نساء، مطلق زنان صالحه قانته نامیده شده‌اند نه زنان پیامبر، به همین سبب ابهام در آن پررنگ‌تر است. در ادامه سیر تاریخی دیدگاه مفسران فریقین، نیز دیدگاه زنان قرآن‌پژوه و اندیشمند درباره مقصود از قاننات در آیه 34 نساء مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد.

4. دیدگاه مفسران درباره قاننات در آیه 34 نساء

جهت تمایز روشن‌تر میان دیدگاه‌های مفسران فریقین و دستیابی به نتیجه مناسب‌تر، این دیدگاه‌ها در دودسته جداگانه ارائه می‌گردد. گرچه مقصود آن نیست که در موضوع مورد بحث تمایزهای بسیار آشکاری میان آنها دیده می‌شود؛ لکن ارائه جداگانه موجب نمایان‌تر شدن وضعیت کلی دیدگاه‌های هر یک از این دو گروه می‌گردد.

4-1. مفسران اهل سنت

مفسران سنی در تفسیر واژه «فائتات» دیدگاه‌های متنوعی ارائه نموده‌اند. برای سهولت آگاهی از دیدگاه این مفسران، بنا بر ضرورت و جهت پرهیز از طولانی و تکراری شدن مطالب، دیدگاه‌های این مفسران در قالب جدول شماره 1 دسته‌بندی و ارائه شده است. مفسران مشترک در ارائه یک دیدگاه بر اساس ترتیب تاریخی دوران زندگی، در ذیل عنوان آن دیدگاه معرفی شده و تفاوت‌های جزئی میان آنان مورد اشاره قرار گرفته است. ناگفته نماند که برخی از مفسران تنها یک دیدگاه را طرح یا گزارش نموده است؛ اما برخی دیگر، دیدگاه‌های متنوعی را مورد اشاره یا احتمال قرار داده‌اند.

4-2. تفاسیر امامیه

ارائه مجزای دیدگاه‌های مفسران شیعی در تفسیر واژه «فائتات» (نساء، 34)، جهت آگاهی از رویکرد این مفسران در مقایسه با مفسران اهل سنت بوده است. هرچند مقصود از این تفکیک آن نیست که ادعا شود مفسران شیعی دیدگاه‌های خیلی متفاوتی نسبت به مفسران اهل سنت ارائه نموده‌اند؛ بلکه می‌توان گفت عمده دیدگاه‌های مفسران شیعی نیز بسان دیدگاه‌های مفسران سنی است جز در موارد معدود که البته همین موارد اندک، بسیار قابل توجه است. براین اساس دیدگاه‌های مفسران شیعی نیز در ذیل عناوین اصلی دسته‌بندی و در قالب جدول شماره 2 ارائه شده است:

4-3. یک دیدگاه مبهم

سلطان علی‌شاه (م 1327ق) در بیان السعاده قانتات را «زنانی دانسته که از شأن و حکم خویش خارج نمی‌شوند». (1408: ج 2، ص 15) که برداشتی مبهم است؛ زیرا وی روشن نکرده که حکم و شأن زنان صالحه کدام است که با رعایت آن قانته نامیده می‌شوند؟ چه، زنان علاوه بر احکام مربوط به همسران، در دیگر حوزه‌های زندگی چون مردان دارای احکامی هستند؛ بنابراین مفهوم سخن ایشان این می‌شود که قانتات زنانی هستند که تمام احکام مربوط به خود را در همه عرصه‌ها پاس می‌دارند! که در این صورت می‌توان گفت سخن این مفسر از سیاق آیه خارج شده است.

4-4. دیدگاه مفسران زیدی و خارجی⁴ مسلک

مقاتل بن سلیمان (م 150ق)؛ مفسر زیدی⁵ همچون بسیاری از مفسران فریقین مقصود از «قانتات» را «مطیعات^{لله} و لأزواجهن» دانسته است. (1423، ج 1، ص 371) شوکانی (م 1250ق) دیگر مفسر زیدی، دیدگاه مقاتل را با بیانی روشن ارائه نموده است. وی علاوه بر حقوق همسران، به حقوق خداوند بر زنان نیز اشاره کرده، گوید: «مطیعات^{لله}، قائمات^{لله} بما يجب علیهن^{من} حقوق^{لله}، و حقوق^{لله} أزواجهن». (شوکانی، 1414: ج 1، ص 531)

هُواری، (م 280ق) مفسر خارجی⁶ دو دیدگاه متفاوت را صرفاً گزارش کرده است. وی به نقل از تفسیر حسن [بصری] قانتات را «مطیعات^{لله} لأزواجهن» و به نقل از غیر او «مطیعات^{لله} و لأزواجهن» دانسته است. (1426: ج 1، ص 341)

4-5. دیدگاه زنان اندیشه‌ور مسلمان در باره واژه «قانتات»

در دوره معاصر برخی از زنان اندیشمند مسلمان در پی کسب دانش و بینش، توان مناقشه با اندیشه‌های به‌ظاهر مردسالارانه و برداشت‌های ناخوشایند برای زنان از نصوص دینی⁷ را در خود یافته و بر مبنای نگرش تاریخی نسبت به آیات قرآن، یا با توسل به روش هرمنوتیکی، دیدگاه‌های سنتی مفسران گذشته و معاصر را نپذیرفته و با ارائه نظریاتی متفاوت، مخالفت آشکار خویش را با این‌گونه نگرش‌ها اعلام کرده‌اند. در

ادامه دیدگاه این افراد، درباره مقصود از واژه «قانتات» در آیه 34 نساء، به اختصار مطرح می‌گردد.

1. آمنه ودود (ت 1952م)

آمنه ودود یکی از نظریه‌پردازان اسلامی و از طرفداران بازخوانی متون مقدس درباره زنان است. وی با رویکرد هرمنوتیکی و زن‌گرایانه به تفسیر آیات موردنظر خود از قرآن پرداخته است. (قاسم‌پور، علی‌آبادی، 1397: ص 100-77) ودود با رویکرد بازتفسیر قرآن، کوشیده از رهگذر روش هرمنوتیکی برگرفته از آرای فضل‌الرحمان رهیافتی جدید ارائه کند. از ویژگی‌های مهم این روش توجه به ذهنیت خواننده متن، قابلیت‌های زبانی زبان وحی و التفات به زمینه‌های تاریخی ظهور متن است. (خندق‌آبادی، 1394: ص 41) وی این روش را درباره آیات النساء و در رأس آنها آیه 34 سوره نساء به کار برده است. براین اساس ودود معتقد است واژه «قانتات» اغلب به غلط «فرمان‌بردار» معنا شده است، سپس «فرمان‌بردار» در برابر «شوهر» پنداشته شده است. حال آنکه در قرآن این واژه هم برای مردان،⁸ هم برای زنان⁹ و هم برای غیرانسان¹⁰ به کاررفته است؛ لذا وی معتقد است که این واژه بیانگر ویژگی فردی مؤمنان به خداوند است؛ به این معنا که آنها تمایل دارند یاور یکدیگر و مطیع فرامین خداوند باشند؛ بنابراین، این امر آشکارا با فرمان‌برداری صرف از مخلوقات (همسران) که با واژه «طاعت» از آن یاد می‌شود، تفاوت دارد. (ودود، 1393، ص 137) وی برای تقویت این دیدگاه خود به سخن سید قطب استناد می‌کند که گوید: گزینش واژگان در این آیه ناظر به واکنش عاطفی فردی است و نه پیروی از "فرمان‌های" بیرونی که واژه «طاعت» کردن، بیانگر آن است. (همان) به‌طورکلی وی درباره واژگان و تعبیری که در آیه موردبحث دلالت بر اطاعت زنان از همسران داشته باشد معتقد است: «قرآن هرگز به زنی دستور نداده که از شوهرش اطاعت کند». وی سپس با استناد به آیه 5 سوره تحریم که در آن صفت قنوت (قانتات) به‌عنوان یکی از ویژگی‌های زنان شایسته برای پیامبر معرفی شده می‌نویسد: «قرآن هرگز نمی‌گوید که "فرمان‌برداری از شوهر" ویژگی زنان برتر است» و

با اشاره به آیه 12 سوره ممتحنه که درباره بیعت زنان مؤمن با پیامبر است، می‌نویسد: قرآن نمی‌گوید اطاعت از همسر، شرط لازم برای ورود زنان به جامعه اسلامی است. (همان، ص 141) وی قائل است که عمدتاً ازدواج‌ها در صدر اسلام چه در میان مسلمانان و چه در میان غیرمسلمانان ازدواج‌هایی سلطه‌جویانه بوده و به‌رحال زن‌ها در این نوع ازدواج‌ها از شوهرانشان اطاعت می‌کردند (همان). به نظر وی برخلاف این نوع ازدواج‌ها، امروزه زوج‌ها به دنبال شریکی برای بهبود عاطفی، فکری، اقتصادی و روحی هستند که این سازگاری بر مبنای احترام و عزت متقابل است، نه بر اساس سرسپردگی زن در برابر مرد. (همان: 141-142). در نهایت ودود با استناد به آیات قرآن کریم نتیجه می‌گیرد که در ازدواج باید سازگاری وجود داشته باشد (نساء/128) و بنیان خانواده به‌صورت دوجانبه با عشق و لطف ساخته شود (آل عمران/21) چنان‌که پیوند ازدواج پوششی برای مرد و زن به شماره آمده است (بقره/187). (همان)

گفتنی است که ودود در کتاب متأخر خویش (جهاد جنسیت) به ناکافی بودن روش هرمنوتیکی برای تفسیر آیات قرآن اعتراف نموده و معتقد است که معنای متن را باید بر اساس تجربه انسانی و عدالت اجتماعی ساخت؛ چراکه متن ساکت است و نیاز به تفسیر دارد؛ لذا در معرض معانی متفاوت و تفسیرهای گوناگون قرار دارد؛ و ما در هر زمان با طرح پرسش‌های جدیدی، متن را به سخن در می‌آوریم. (همان: 194-195).

از این رو می‌کوشد به‌جای تلاش برای رفع نگاه جنسیتی بر اساس تفسیر زبانی، از طریق اصول بنیادین قرآنی همچون عدالت، اخلاق‌مداری، کرامت انسانی، مسئولیت متقابل عادلانه و... به تفسیر آیاتی پردازد که نگاه جنسیتی در آنها پررنگ است و در بزنگاه چنین اختلافاتی جانب اخلاق و عدالت را می‌گیرد و بر این باور است که آیات مورد اختلاف را بر همین اساس می‌بایست به تفسیر نشست.¹¹ در هر صورت ودود معتقد است. واژه «قانتات» در سراسر قرآن به شکلی سازگار با هم به اطاعت و خضوع انسان در برابر خداوند اشاره دارد که این امر آشکارا با اطاعت یک مخلوق (زن) از مخلوقی دیگر (مرد) متمایز است. بدین‌سان می‌توان مقصود نهایی وی را از واژه «قانتات» را

همان تعبیر «مطیعات لله» (زنان اطاعت‌کننده از خداوند) دانست؛ دیدگاهی که به‌ظاهر در میان مفسران فریقین طرف‌دارانی دارد.

2. عزیزه حبری

وی از اندیشمندان مسلمان آمریکایی و از مبتکران نظریه فمینیسم اسلامی - قرآنی و از فعالان حقوق زنان در آمریکا و استاد دانشگاه ریچموند¹² در آن کشور است.¹³ او مقالات فراوانی در حوزه مطالعات قرآنی و حقوق زنان در اسلام ارائه داده است. "اصلاح تدریجی" و "بسترمندسازی فهم آیات" دو مؤلفه مهم روش تفسیری وی به شمار آمده است. (هدایت‌زاده، پیروزفر، رئیس‌یان، 1399:ص 91-112) همچنین خانم حبری اصول خود را برای فهم قرآن، سه اصل "توحید، تنوع و سازگاری" معرفی کرده است. (همان، ص 97 - 100)

اما در ارتباط با آیه 34 سوره نساء، حبری نیز چون ودود دیدگاه مفسران مسلمان را به چالش کشیده و نظریاتی کاملاً متفاوت ارائه کرده است. از جمله وی تفسیر واژه «قانتات» را به اطاعت زن از همسر صحیح ندانسته و بر استنباط مفسران در این باره خرده گرفته است. (بنگرید به: محمدجعفری، صیدی، 1397:ص 35-65) وی «قانتات» را از «قنوت» به معنای عملی کاملاً عبادی می‌داند که تنها در برابر خداوند انجام می‌گیرد؛ بنابراین از دیدگاه حبری مقصود از «قانتات» زنانی هستند که کاملاً مطیع خداوند باشند. (Hibri, 2003, p. 213) و «صالحات» زنانی هستند که عهد زناشویی را محترم می‌شمارند، و از نظر وی «ناشزه» در تقابل با زنان صالحه قرار دارد؛ لذا اشاره به زنانی دارد که این عهد را زیر پا گذاشته، مرتکب معصیت الهی می‌شوند. نکته مهمی که وی در این جا مطرح می‌کند این است که از نظر حبری زن با نشوز در برابر خداوند نافرمانی می‌کند نه در برابر همسر خویش؛ چون از قوانین و حدود الهی تعدی نموده و چون دخالت‌دادن همسر در این امر منتهی به شرک می‌شود (Hibri, 2003, pp. 213-216) بدین سان، دیدگاه خانم حبری با نظریه آن گروه از مفسرانی که مقصود از قانتات را «مطیعات لله تعالی قانتات بحق الأزواج» و یا «مطیعات لله فی أزواجهن»

دانسته‌اند، تقریباً همسو و سازگار است. زیرا این مفسران نیز قنوت را در برابر خداوند دانسته، منتهی از رهگذر آن وظیفه زن را انجام فرامین واجب یا معقول همسر معرفی کرده‌اند.

3. سعدیه شیخ

سعدیه شیخ (متولد 1970م) دانش‌آموخته دکترای مطالعات دینی از دانشگاه تمپل¹⁴ فیلادلفیا و استادیار همین کرسی در دانشگاه کیپ‌تاون¹⁵ آفریقای جنوبی است. فصل مشترک تحقیقات وی مطالعات اسلامی و مطالعات جنسیت است. وی علاقه ویژه‌ای به تصوف و تأثیر آن بر فمینیسم اسلامی و نظریه فمینیستی دارد. کتابش با عنوان "روایت‌های صوفیانه از صمیمیت، ابن عربی، جنسیت و گرایش جنسی" نخستین بار توسط انتشارات دانشگاه کارولینای شمالی در سال 2012 میلادی منتشر و سپس در 2013 میلادی از سوی انتشارات دانشگاه کیپ‌تاون با همکاری انتشاراتی دیگر در دهلی‌نو بازنشر شد. (هدایت‌زاده، پیروزفر، 1399، ص 17-18)

ایشان به مبحث حقوق زنان و آیات مربوط به زنان با نگرشی متفاوت از دیگران و با صبغه عرفانی - که متأثر از ابن عربی و تفسیر او از آیات و روایات است - پرداخته است. البته وی پیش از آشنایی با عرفان و تصوف اسلامی با الهام از نگرش فضل‌الرحمان و با کاربرد قابلیت‌های زبانی زبان وحی و توجه به زمینه‌های تاریخی ظهور متن و با رویکرد هرمنوتیک فمینیستی درباره زنان آثاری را ارائه نموده؛ اما پس از آشنایی با عرفان اسلامی و به‌ویژه عرفان ابن عربی، نگرش‌هایش بر پایه پردازشی فمینیستی از آرای ابن عربی تغییر یافته است. (همان، ص 18)

اما درباره واژه «قانتات» شیخ پس از نقد نظریات مفسران سنتی، درباره این واژه، می‌نویسد: اندیشه‌های مفسران حکایت از مبانی انسان‌شناختی پدرسالارانه در میان متقدمان دارد که این امر تأثیر بسزایی در تقلیل جایگاه زنان در طول تاریخ داشته است. از دیدگاه وی برداشت مفهوم فرمان‌برداری زن از مرد ذیل واژه‌های «قانتات» و «صالحات» نمایانگر ساختار طبقاتی سه‌مرحله‌ای (خدا - مرد - زن) است. در نهایت

لزوم رعایت عفت زن که ذیل واژه «حافظات» مطرح شده، به عزّت و اصالت فرزند عنایت داشته که هر دو متعلق به مرد است نه خدا، حال آنکه این تقدس‌بخشی نادرست به مرد، همچون واسطه‌ای الهی، از نظر سعیدیه شیخ شرک‌آمیز تلقی شده است! (Shaikh, 1997, pp. 55-58)

4. اسماء بارلاس

وی متولد 1350م در پاکستان است و از سال 1991م استاد علوم سیاسی در کالج ایتاکا واقع در نیویورک است. وی در میانه دهه 90 میلادی توجه خود را به قرآن و مطالعات قرآنی افزایش داده که مهم‌ترین اثر وی در حوزه مطالعات زنان کتاب *(Believing Woman in Islam; Unreading Patriarchal Interpretation of the Quran)* است. وی در این کتاب دیدگاه‌های خود را درباره ضرورت بازخوانی قرآن مطرح می‌کند. (هدایت‌زاده، پیروزفر، 1401، ص 419) بارلاس روش تفسیری خود را مستخرج از قرآن می‌داند و در پرتو این روش در دو بعد خرد و کلان نشان می‌دهد که نه تنها معرفت‌شناسی قرآنی ضد پدرسالاری است؛ بلکه به ما اجازه می‌دهد که برابری بنیادی و تام دو جنس (مرد/زن) را نظریه‌پردازی کنیم (بدره، 1395، ص 146) بارلاس خود افشایی خداوند را که در قالب سه بعد توحید، عدل و غیر قابل‌قیاس بودن می‌داند مسئله ذاتی و لازم برای هر روش تفسیری در فهم قرآن و خوانش‌های آزادی‌بخش از آن می‌داند سپس به تفصیل به بیان این ابعاد می‌پردازد. (Barlas, 2006A, pp. 149-150 ; Barlas, 2005, pp. 9-10)

براین‌اساس از نظر بارلاس خوانش ناصحیح سنت تفسیری مسلمانان از آیه 34 سوره نساء یکی از دلایل شکل‌گیری انگاره‌های نادرستی چون نابرابری جنسی و برتری شوهر در طول تاریخ مسلمانان است. وی این گونه تفاسیر را هم به لحاظ بافت و بستر غیرقابل‌توجیه می‌داند و هم آن را تحریف قرآن و در تعارض با آموزه‌های برابری‌طلبانه قرآن معرفی می‌کند. (هدایت‌زاده، پیروزفر، 1401، ص 422)

اما در ارتباط با مقصود از واژه قانتات وی معتقد است - برخلاف اندیشه رایج در میان مسلمانان که قانتات را به معنای لزوم تبعیت زن از همسرش می‌پندارند - قرآن کلمه قانتات را برای اشاره به یک عمل انسانی در برابر خداوند متعال بیان کرده است بنابراین نمی‌توان آن را به انجام عملی از سوی برخی از انسان‌ها (زنان) محدود و مرتبط نمود. علاوه بر این وی به سخن آمنه و دود استناد می‌کند که خداوند هرگز به زنی دستور اطاعت از مرد را نداده و این رفتار را نشانه زن شایسته به شمار نیاورده است. (Barlas, 2019, p. 187)

دیگر زنان اندیشمند مانند مارگوت بدران و... نیز اگرچه مشخصاً در باره واژه قانتات سخنی مطرح نکرده‌اند لکن به صورت کلی و به‌ویژه با توجه به آیه 34 سوره نساء، برداشت‌های مفسران مسلمان را از این آیه مورد نقد و رد قرار داده و برای زدودن این گونه اندیشه‌ها روش‌هایی چون بهرمندی از روش هرمنوتیکی در تفسیر قرآن یا نگرش تاریخی داشتن به بسیاری از احکام را پیشنهاد نموده‌اند.

5. تحلیل دیدگاه‌ها:

همان گونه که گذشت، مفسران فریقین در ارتباط با مقصود از «قانتات» در آیه 34 سوره نساء دیدگاه‌های گونه‌گونی را مطرح نموده‌اند. برخی قانتات را تنها به معنای «مطیعات» معنا کرده، بدون اینکه مطاع را مشخص کنند! برخی به روشنی مطاع را خداوند مقصود دانسته بودند و تعبیر «مطیعات لله» است. برخی ضمن مطاع معرفی کردن خداوند، رویکرد این اطاعت را ملاحظه شأن مردان یا قیام به امور مردان دانسته بودند که دو تعبیر «مطیعات لله فی ازواجهن» و «مطیعات لله قائمات بامور ازواجهن» بیانگر این دیدگاه بود. عده‌ای دیگر آشکارا مقصود از آن را هم‌زمان اطاعت از خداوند و همسران توصیف کرده‌اند که تعبیر «مطیعات لله و لأزواجهن» و برخی تعبیر مشابه دیگر برای دلالت بر این معنا مطرح شده بود. گروهی دیگر از مفسران مقصود از قانتات را تنها اطاعت از ازواج دانسته‌اند که تعبیری چون «مطیعات لأزواج»، و «قائمات بامور ازواجهن» و تعبیری مشابه را برای این دیدگاه خود ذکر نموده‌اند.

بعضی از مفسران دیدگاه جامعی را ارائه نموده و علاوه بر حقوق ازواج، حقوق الهی را نیز در زمره این اطاعت معرفی کرده‌اند که تعبیر «قائمت بأداء ما فرض الله علیهن من حقوقه و حقوق أزواجهن» و برخی تعبیر مشابه بر آن دلالت دارد.

در میان مفسران شیعه هرچند همه دیدگاه‌های فوق، مطرح شده؛ اما همه تعبیر فوق استعمال نشده است؛ بلکه تنها تعبیری چون: «مطیعات، مطیعات لله، مطیعات لله ولأزواجهن، مطیعات لله قائمات بما علیهن للأزواج، مطیعات لأزواجهن» و برخی تعبیر مشابه دیگر به‌کاررفته است. گفتنی است چند دیدگاه‌های متفاوتی نیز وجود دارد که در ذیل هیچ یک از تعبیر فوق قرار نمی‌گیرد.

اما در میان مفسران زیدی و خارجی مسلک، مقاتل بن سلیمان، دیدگاه دوگانه اطاعت از خدا و ازواج را موردنظر داشته و شوکانی دیدگاه جامعی را در قالب تعبیر «مطیعات لله، قائمات بما یجب علیهن من حقوق الله، و حقوق أزواجهن» مطرح نموده است. هواری تنها مفسر خارجی نیز دو تعبیر متفاوت «مطیعات لأزواجهن» و «مطیعات لله و لأزواجهن» را از گذشتگان گزارش نموده است.

زنان اندیشمند معاصر همگی اتفاق نظر داشتند که قانتات تنها بر اطاعت و خضوع زنان در برابر پروردگار دلالت دارد.

براین‌اساس برای دستیابی به مقصود حقیقی از قانتات در آیه موردبحث، لازم است نکاتی ذیل موردتوجه قرار گیرد.

نکته اول آنکه به نظر می‌رسد عمده مفسران مقصود نهایی از قانتات را در فضا و سیاق آیه موردبحث اطاعت زنان از همسران به‌شمار آورند؛ گرچه برخی از آنها به‌صراحت به این امر اشاره ننموده و صرف اطاعت از خداوند را مطرح نموده باشند؛ چراکه طرح بحث قوامیت در آیه عاملی قوی برای سوق‌دادن نظریات بدان سو است. به تعبیر دیگر دوگانه «قانتات» و «قوامون» به‌ظاهر در برابر هم قرار می‌گیرد. اگر دیدگاهی غیر از این در میان مفسران و محققان مطرح بود حتماً زنان اندیشمند معاصر برای تأیید دیدگاه

خود بدان استناد می‌کردند؛ اما اینکه این افراد صرفاً بر اساس روش هرمنوتیکی و نگرش تاریخی به قرآن، دیدگاه خود را استوار نموده‌اند، خود قرینه‌ای بر این امر است. **نکته دوم** در مورد کاربرد واژه قنوت در قرآن است که بر اساس آنچه که در ابتدای بحث آمد این واژه در عمده موارد استعمال خود در مفهوم اطاعت مستمر و خاشعانه تکوینی یا تشریحی در برابر خداوند به‌کاررفته است؛ بنابراین «قنوت» عمل یا حالتی است که جز در برابر خداوند شایستگی ظهور و بروز ندارد. البته تنها یک‌بار زنان پیامبر (ص) به‌صورت غیرمستقیم به قنوت در برابر خداوند و پیامبر (ص) دعوت شده‌اند که می‌توان گفت این قنوت نیز در برابر شأن پیامبری آن حضرت است که در اصل به معنای اطاعت از خداوند و نه اطاعت از شخص حقیقی پیامبر (ص) به شمار می‌آید. گواه این برداشت آیه 5 سوره تحریم است که زنان شایسته برای پیامبر توصیف شده است و در ضمن آن خصوصیتی مطرح شده که همگی آنها در ارتباط با خداوند معنا می‌یابند. در میان آنها کلمه قانتات نیز آمده است.

نکته سوم این است که همان‌گونه که اشاره شد بافت یا سیاقی که قانتات در آن آمده است، جهت‌دهنده مفهوم اطاعت از همسران برای قانتات است؛ یعنی چنین مقصودی بر دیگر مقاصد سبقت می‌گیرد. به تعبیری در اینجا سیاق و سباق با هم هماهنگ‌اند. طرح قوامیت مردان در ابتدای آیه و بحث نشوز زنان و راهکارهایی به مردان برای مقابله با آن در پایان آیه، این سیاق را تشکیل داده است؛ بنابراین این فضا و سیاق - با وجود معنای خاص قنوت در قرآن - گزینش مفهوم اطاعت زنان از همسران را برای مفسر ترجیح می‌دهد.

نکته چهارم این است که زنان اندیشمند معاصر عمدتاً مدعی‌اند که احکام و دستورالعمل‌هایی که در آیه 34 سوره نساء و آیات مشابه مطرح شده راهکاری موقتی برای پشتیبانی از زنان صدر اسلام و محدودکردن مردان در اجرای رسوم جاهلی در قبال آنها بوده است؛ چرا که بر طبق فرهنگ و رسوم جاهلی ستم‌ها و بی‌عدالتی‌های بسیاری در حق زنان روا داشته می‌شد؛ نه تنها به آنان سهمی از ارث داده نمی‌شد که

خود نیز به ارث برده می‌شدند. تعدد زوجات به صورت گسترده و بدون محدودیت وجود داشت و... لذا خداوند با نزول این گونه آیات در صدد برآمده تا مناسبات میان مردان و زنان را تا حدی تعدیل نماید؛ لذا نباید آنچه را که در این گونه آیات آمده حکم قطعی و نهایی اسلام در باره زنان دانست. چرا که پیشرفت جوامع بشری و دورشدن هرچه بیشتر از فضای دوران جاهلیت زنان را از بسیاری جهات با مردان برابر نموده است. اما در نقد این دیدگاه می‌توان گفت: اشکال اصلی آن نداشتن دلایل قوی و متین است؛ زیرا هرچند قابل‌پذیرش است که مناسبات دوران جاهلی درباره زنان بسیار ستمکارانه و بس خشن بوده است؛ لکن دلیلی وجود ندارد که خداوند برای تعدیل مناسبات رابطه میان زنان و مردان تنها بخشی از احکام موردنیاز را مطرح کرده باشد و بخشی از آن را به الهام‌گرفتن آن از پیشرفت جوامع بشری و بالارفتن سطح فهم و درک زنان موکول کرده باشد. استناد به احکام بردگان نیز نمی‌تواند مستند معقولی برای این دیدگاه باشد؛ زیرا دلیل اینکه احکام بردگان امروزه کارایی ندارد، این است که برده‌داری از جامعه بشری رخت بر بسته لذا احکام آن نیز خودبه‌خود کنار گذاشته شده است؛ اما احکام مربوط به مناسبات بین زنان و مردان هیچ نسبت و مشابهتی با آن ندارد.

نکته پایانی این است که هرچند زن و مرد از نفس واحد آفریده شده‌اند و بر اساس آموزه‌های قرآن و اسلام شأن و منزلت انسانی زن و مرد یکسان است و ملاک برتری در پیشگاه خداوند جز به قوت ایمان و شدت تقوی نیست؛ اما نمی‌توان با استناد به این حقایق، قوامیت مردان را امری تاریخی دانست یا آن را برخلاف مفهوم حقیقی‌اش تفسیر نمود تا آنجا که اطاعت زن از همسرش را حتی در ضروریات زندگی زوجین ناعادلانه و ظالمانه به شمار آورد و مقصود از قانتات را تنها اطاعت از خداوند به شمار آورد بدون اینکه این اطاعت لوازمی در پی داشته باشد. چنان‌که نمی‌توان با استناد به حقایق پیش‌گفته، تفاوت‌های جسمانی و بیولوژی میان مردان و زنان و لوازمی را که این تفاوت در پی دارد، نادیده انگاشت. به نظر می‌رسد عبارت «بِمَا فَضَّلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ» در ابتدای آیه اشاره به همین تمایز تکوینی داشته باشد که در شکل تفاوت

بیولوژی مردان نسبت به زنان است قابل مشاهده است. قابل انکار نیست که ممکن است زنانی باشند که از جهت نسبت به همسران خود شایستگی بیشتری برای تدبیر امور گوناگون خانواده داشته باشند؛ لکن این امر استثنا است و قاعده همان است که خداوند فرموده است.

بر اساس آنچه گفته شد نظر نگارنده در باره مقصود از واژه «قانتات» در آیه 34 سوره نساء باتوجه به معنای لغوی قنوت و با لحاظ کاربرد قنوت در قرآن و بر اساس سیاقی که در آن قرار گرفته این است که زنان در برابر تدبیر حکیمانه خداوند مبنی بر قوام بودن مردان بر زنان، به صورت دائم مطیع و خاضع‌اند و بر اساس این خشوع و خضوع دائمی، مسئولیت واجب همسراری را که خود به‌خوبی از آن آگاه‌اند یا از رهگذر آموزه‌های اسلامی یا تجربیات سودمند بشری کسب نموده‌اند، بدون تخطی و طغیان به جا می‌آورند. از دلایل دیگر این برداشت، توصیف زنان به صالح بودن است که مقصود از آن صالح بودن بر معیار ایمان و عقیده و در نسبت با خداوند تعالی است؛ لذا واژه قانتات لازم است در ارتباط با این نوع از صلاحیت تفسیر شود. علاوه بر آن، این تفسیر از قانتات از جامعیت لازم برخوردار است؛ زیرا هم مقصود اصلی از آن را که اطاعت دائمی و خاضعانه در برابر پروردگار است، در بر دارد و هم بیانگر این نکته مهم است که زنان صالحه از رهگذر داشتن چنین خصلت و حالتی، به انجام وظایفی که این پذیرش قانتانه بر دوش آنها گذاشته، همت می‌گمارند. گوا اینکه واژه «حافظات» در ادامه آیه بیانگر بخشی از این مسئولیت‌هاست. علاوه بر آن طرح مسئله نشوز در ادامه آیه، اشاره به زنانی دارد که صالحه نبوده و در برابر تدبیر الهی پیش‌گفته - دانسته یا نادانسته - قانت (مطیع و خاضع) نمی‌باشند و به همین سبب راه کارهای سه‌گانه مذکور در مورد زنان ناشزه را می‌توان نوعی واکنش مجازاتی ظریف و متناسب با فضای خانواده دانست تا هریک در مرحله خاص خود و بدون زیاده‌روی، اجرایی شود.

در هر صورت باتوجه به ضرورت وجود فضای رحمت و مودت بین زن و مرد در خانواده (نک: روم، 21)، قوامیت مردان بر زنان نباید به صورتی خشک و خشن ظهور

و بروز یابد. بلکه لازم است جریان انجام امور در خانواده از روی میل و رغبت و محبت قلبی و بدون هرگونه فشار بیرونی صورت گیرد تا رابطه صمیمی و عاشقانه میان زن و مرد که از ضرورت‌ها و سرمایه‌های اصلی خانواده است، آسیب نبیند.

6. نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه گفته شد نکات ذیل به دست می‌آید:

1. آیه 34 نساء مشتمل بر سه بخش پرچالش است که مقصود از واژه «قانتات» یکی از موارد آن است.
2. «قانتات» جمع «قانته» اسم‌فاعل و مشتق از «قانت» به معنی اطاعت مستمر همراه با خضوع و خشوع است.
3. «قنوت» در قرآن عمدتاً به معنای اطاعت و خضوع تکوینی همه مخلوقات یا به معنای اطاعت و خضوع اختیاری انسان در برابر خداوند به‌کاررفته است.
4. بررسی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران فریقین بیانگر این نکته مهم است که دیدگاه‌های متنوعی از سوی این مفسران و در قالب تعبیر مختلف ارائه شده است.
5. طرح مفهوم «مطیعات» از سوی برخی از مفسران به دلیل مشخص نبودن مطاع در آن، کلی و مبهم به شمار می‌آید. درعین‌حال معنای دقیق لغوی قانتات را هم در بر ندارد. همچنین طرح دیدگاه «مطیعات^۱ لله» بدون تبیین چگونگی‌های این اطاعت و مقصود از آن، کامل و راهگشا نیست علاوه بر آن، معنای دقیق لغوی قانتات را در بر ندارد. نیز دیدگاهی که با تعبیر «مطیعات^۲ لأزواج» ارائه شده به توجه به مفهوم لغوی و استعمال قرآنی قنوت قابل‌پذیرش نیست. چنان‌که تعبیر «مطیعات^۳ لله و لأزواجهن» که از سوی گروهی از مفسران مطرح شده به‌خاطر عدم لحاظ معنای لغوی و کاربرد قرآنی قنوت پذیرفتنی نیست. همچنین دیدگاهی که با تعبیر «قائمات بأداء ما فرض الله علیهن من حقوقه و

حقوق أزواجهن» و مشابه آن ارائه شده، علاوه بر داشتن مشکلات پیش گفته احکام و حقوق غیرمرتبط با مناسبات خانواده را نیز بر مسئولیت‌های زنان افزوده که به خاطر منطبق نبودن بر سیاق آیه نمی‌تواند پذیرفته شود.

6. براین اساس دیدگاه آن دسته از مفسران که در تفسیر «قانتات» با تعبیری همچون «مطیعاتٌ لله فی أزواجهن»، «مطیعاتٌ لله تعالی فی أداء حقوق أزواجهن» و «مطیعاتٌ لله تعالی قائماتٌ بحقوق الأزواج» مطرح شده است هرچند به کاربرد قرآنی قنوت و سیاق آیه را تا حدودی مورد ملاحظه قرار داده است؛ اما به سبب عدم طرح دقیق و جامع معنای لغوی قنوت در آن دارای اشکال است.

7. دیدگاه مفسر المیزان گرچه بسیار روشن و دارای جامعیت بی‌نظیری است؛ اما از آنجاکه وی مقصود از قانتات را نه خضوع در برابر خداوند که اطاعت خاضعانه زنان در برابر همسران دانسته، دارای کاستی است؛ چنانچه وی قوامیت را نه مختص به مردان نسبت به زنانشان بلکه در باره مطلق مردان نسبت به زنان دانسته که جای تأمل و درنگ بسیار دارد.

8. برخی زنان اندیشمند مسلمان با نگاه و نگرش مفسران سستی درباره قانتات به شدت مخالفت نموده و مدعی هستند که زن در مقابل مرد به‌عنوان یک انسان کاملاً مستقل و مختار به شمار آمده؛ لذا مقصود از قانتات را در آیه مورد بحث فقط به معنای اطاعت و خضوع زنان در برابر خداوند دانسته‌اند.

9. در میان تعداد زیاد و متنوع دیدگاهی مفسران فریقین، تنها موارد بسیار اندکی یافت می‌شود که ابعاد گوناگون موضوع (ملاحظه کاربرد قرآنی قانتات، ملاحظه مفهوم دقیق لغوی قانتات و ملاحظه سیاق آن) را مورد توجه قرار داده و دیدگاهی تقریباً مقبول ارائه نموده‌اند. یکی از این دیدگاه‌ها متعلق به شعرانی (م 1418ق) است که با تعبیر ظریف «خاضعةٌ لله تلتزم منهج الله و أمره فیما حکم به من أن الرجال قوامون علی النساء» بیان شده است. دیدگاه دوم از

سوی شیخ محمد صادقی در تفسیر الفرقان، با تعبیر «قانتاتُ لله، قانتاتُ لأمر الله فی ظلال قوامیة الرجال فی الحدود المقررة» مطرح شده است که در این دیدگاه هرچند واژه قانتات معنا نشده لکن کلیت دیدگاه متناسب با مفهوم اصلی قانتات در آیه است. سومین دیدگاه نیز که تا حدود زیادی بیانگر حقیقت امر است از سوی فضل الله در تفسیر من وحی القرآن مطرح شده است. وی مقصود از قانتات را «التزام به رویکرد ایمانی در عهد و عقد ازدواج و درک و رعایت مسؤولیت شرعی از رهگذر آن» برشمرده که با وجود در بر داشتن برخی کاستی‌ها، به روشنی گویای مطلب است.

10. بنابراین، باتوجه به مفهوم لغوی و کاربرد قرآنی قنوت و با لحاظ سیاق آیه، می‌توان گفت مقصود از قنوت خضوع و خشوع زنان صالحه در برابر تدبیر الهی در باره مناسبات میان زنان با همسران خویش در خانواده است که از رهگذر آن، زنان مسؤولیت شرعی و معقول خود را بدون اینکه اراده و استقلال شخصیت آنها مخدوش گردد، به جا می‌آورند. چنان که مردان نیز در ارتباط با زنان دارای وظایف متقابلی هستند که موظف به انجام و اجرای آنها هستند.

والله اعلم

پی‌نوشت‌ها

1. احزاب، 35.
2. بقره، 116 و...
3. ... هرچه (هرکه) در آسمان‌ها و زمین است، برای اوست و همه در برابر او خاضعانه و فروتنانه، مطیع‌اند.
4. منظور پیرو مکتب و افکار خوارج بودن است.
5. این ندیم وی را از متأخران زبیده به شمار آورده است. (1346: ص 334) به‌علاوه طبق بررسی صورت‌گرفته، وی آیات مربوط به فضائل اهل‌بیت را چون مفسران اهل‌سنت تفسیر نموده است.
6. از علمای فرقه اباضیه
7. در ذیل دو آیه: 228 بقره و 34 نساء.

8. نک: (احزاب، ۳۵؛ آل عمران، ۱۷؛ بقره، ۲۳۸).
9. بنگرید به: (تحریم، 5 و 12؛ احزاب، ۳۴؛ نساء، ۳۴).
10. بنگرید به: (بقره، ۱۶۶؛ روم، ۲۷).
11. علاوه بر این وی متأثر از روش هرمنوتیکی فضل الرحمن قائل به تمسک به روح قرآنی برای تفسیر آیات مناقشه‌برانگیز است. چه وی معتقد است که آیات عام و خاص قرآن در شرایط تاریخی اجتماعی خاصی نازل شده است و گرچه آیات قرآن به همان شرایط محدود نمی‌شود لکن برای فهم صحیح آیات لازم است دلالت بیانی آیات مذکور را در محدوده زمانی نزول آیات به دست آورد وی از این به‌عنوان روش قرآنی یاد می‌کند که دستیابی به آن نیازمند الگوی هرمنوتیکی قابل‌فهم و سامان‌یافته‌ای است. (ودود، 1393، ص 43-42)

12. University Of Richmond
 13. www.azizahal-Hibri.com
 14. temple university
 15. Cape Town university

منابع

قرآن کریم

1. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (1367ش) *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، محقق: محمود محمد طنّاحی، طاهر احمد زاوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
2. ابن حموش، مکی، (1429ق) *الهداية إلى بلوغ النهاية*، جامعة الشارقة، شارجه: كلية الدراسات العليا و البحث العلمي.
3. ابن سیده، علی بن اسماعیل، (1421ق) *المحکم و المحيط الأعظم*، محقق: عبدالحمید هنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
4. ابن فارس، احمد، (1404ق) *معجم مقایس اللغة*، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
5. ابن منظور، محمد بن مکرم، (1414ق) *لسان العرب*، بیروت: دار الصادر.

6. ابن انباری، عبدالرحمن بن محمد، (1362ش) *البيان في غريب اعراب القرآن*، قم: مؤسسة دار الهجرة.
7. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (1425ق) *تذكرة الأريب في تفسير الغريب*، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمدعلي بيضون.
8. ابن ملقن، عمر بن علی، (1408ق)، *تفسير غريب القرآن* (ابن ملقن)، بيروت: عالم الكتب.
9. ابن الندیم، محمد بن ابی یعقوب، (1346ش) *الفهرست*، مترجم: م. رضا تجدد، تهران: نشر بانک بازرگانی ایران.
10. ابیاری، ابراهیم، (1405ق) *الموسوعة القرآنية*، قاهره: مؤسسة سجل العرب.
11. تفلیسی، حبیب بن ابراهیم، (1371ش) *وجوه قرآن*، تهران: دانشگاه تهران.
12. جزایری، نعمت الله بن عبدالله، (1388ش) *عقود المرجان في تفسير القرآن*، قم: نور وحی.
13. جوهری، اسماعیل بن حماد، (1376ق) *الصحاح*، محقق: احمد عبد الغفور عطار، بيروت: دارالعلم للملایین.
14. حاکم نیشابوری أبو عبد الله محمد بن عبد الله، (1418ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بيروت: دار المعرفة.
15. خفاجی، احمد بن محمد، (1417ق) *حاشية الشهاب المسماة عنایة القاضي و كفاية الراضي علی تفسير البيضاوي*، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمدعلي بيضون.
16. خندق آبادی، حسین؛ (1394ش)، «متن گرایبی تاریخی نگاهي به روش تفسیری آمنه و دود با تمرکز برتفسیر آیه ۳۴ سوره نساء»، *فصلنامه سراج منیر*، شماره 18، ص 42 - 75.
17. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1412ق) *مفردات ألفاظ القرآن*، بيروت: دار القلم.

18. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (1403ق) *الخصال*، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
19. ----- (1376ش) *الأمالی*، تهران: کتابچی.
20. ----- (1385ش) *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.
21. صنعانی، عبد الرزاق (بی تا) *المصنف*، تحقیق و تخریج و تعلیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بی جا: منشورات المجلس العلمی.
22. طریحی، فخر الدین بن محمد، (1375ش) *مجمع البحرین*، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
23. الطیالسی، سلیمان بن داود (بی تا) *مسند أبی داود الطیالسی*، بیروت: دار المعرفة.
24. فراهیدی، خلیل بن احمد (1409ق) *العین*، قم: نشر هجرت.
25. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (1415ق) *القاموس المحیط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
26. قاسم پور، فاطمه؛ علی آبادی، شیماء؛ (1397ش) «بررسی مفهوم نقش جنسیتی در دیدگاه آمنه ودود با رویکرد اجتهادی - کلامی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، شماره 82، ص 77 تا 100.
27. محمد جعفری، رسول؛ صیدی، محمود؛ (1397ش) «نقد و بررسی دیدگاه عزیزه الهیبری در تفسیر "ضرب" زن در آیه 34 سوره نساء»، *فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، شماره 34، ص 35-65.
28. معرفت، محمدهادی، (1410ق) *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

29. مفید، محمد بن محمد، (1413 ق) *الإختصاص*، محقق: علی اکبر غفاری، محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.
30. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، (1415 ق) *إيجاز البیان عن معانی القرآن*، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
31. هدایت‌زاده محمدصادق، سهیلا پیروزفر، (1399 ش) «رہیافتی به فمینیسم اسلامی: خوانش دیدگاه سعیدہ شیخ و پردازش فمینیستی او از آراء ابن عربی»، *فصلنامه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره 68، ص 11 - 36.
32. هدایت‌زاده محمدصادق؛ پیروزفر، سهیلا؛ رئیسیان، غلامرضا؛ (1399 ش) «نگرش فمینیستی عزیزہ الحبری به آیات قرآن با تأکید بر مسئله ضرب زنان»، *دوفصلنامه کتاب قیم*، شماره 22، سال دهم، ص 91-112.
33. هدایت‌زاده محمدصادق؛ پیروزفر، سهیلا؛ (1401 ش) «تبیین و ارزیابی آراء فمینیست‌های اسلامی پیرامون آیه 34 سوره نساء (مطالعه موردی: دیدگاه اسماء بارلاس)»، *فصلنامه مطالعات اسلامی در جهان معاصر*، شماره 2، ص 415-430.
34. ودود، آمنہ (1393 ش) قرآن و زن، ترجمہ: اعظم پویا و معصومہ آگاهی، تهران: انتشارات حکمت.
35. Barlas, A. (2019). *Believing Women in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Qur'an*. University of Texas Press.
36. Barlas, A. (2005). Globalizing Equality: Muslim Women, Theology, and Feminism. in F. Simone (ed.), *On Shifting Ground: Muslim Women in the Global Era* (NY: Feminist Press), 91-110.
37. Barlas, A. (2006). Text, Tradition, and Reason: Qur'anic Hermeneutics and Sexual Politics. *Cardozo Law Review*, Vol. 28, No. 1.

-
38. Shaikh, Sa'diyya (1997), "Exegetical Violence: Nushuz in Quranic Gender Ideology", *Journal for Islamic Studies*, vol. 17
39. Azizah, Hibri, (2003). *An Islamic Perspective on Domestic Violence*, Berkeley Electronic Press, Berkeley.
40. نرم افزار جامع التفاسیر نور (نسخه 3). تمام تفاسیر استفاده شده در این پژوهش (بیش از 120 تفسیر) براساس منابع تفسیری موجود در این نرم افزار بوده است.

